



# حج

## یا

### تواضع در پیشگاه خدا

و تذلل حجاج در مقابل عظمت خود و نشانه خضوع و اعتراف آنان به عز و بزرگی خویش قرارداد.

یعنی کسیکه بمنظور اطاعت امر الهی به سفر حج می‌رود، مہبتی اداء آن فریضه سنگین و پر زحمت میشود، در میقات محرم میگردد، و از آن پس بتمام دگرگونیها و تحولات مشکلی که در ایام حج مقرر گردیده تن میدهد و کلیه وظائف شرعی را بی کم و کاست بین خود و خداوند رعایت مینماید، نشانه آنستکه این انسان با ایمان تسلیم اوامر الهی است، در مقابل حضرت باری تعالی متواضع و خاشع است، و عملاً به عز و بزرگی ذات اقدس الهی اعتراف دارد.

نه تنها حج بیت الله نشانه تواضع و فروتنی افراد با ایمان در پیشگاه الهی است بلکه انجام سایر عبادات نیز نشانه تواضع بندگان با ایمان در مقابل خداوند است.

علی علیه السلام ضمن یکی از خطبه‌ها درباره نماز و زکوة و روزه سخن گفته و فرموده است این عبادات به دست و پا و دیگر اعضاء بدن سکون می‌بخشد و از تجاوز و طغیانشان باز میدارد. چشمها را خاشع، نفسهای سرکش را رام، و قلوب را از خود خواهی و بلند پروازی فرود می‌آورد سپس میفرماید:

«و لما فی ذالک من تعفیر عناق الوجوه بالتراب تواضعاً والتصاق کرائم الجوارح بالأرض تصاغراً ولحوقی البطون بالمنون من الصیام تذللاً»<sup>۱</sup>.

چه در این عبادات نقاط ظریف صورتها به انگیزه تواضع روی خاک قرار میگیرد و اعضاء کریم بدن با حقارت و خشوع بزمین گذارده می‌شود و شکمها بر اثر تذلل در مقابل امر الهی برای روزه داری به پشت میچسبند، تواضع و خشوع انسانها در پیشگاه الهی نشانه عبودیت و بندگی آنان است و هر قدر این حالت تواضع و تذلل زیادتر باشد ارزش بنده متواضع نزد باری تعالی بیشتر است.

«عن ابی عبد الله علیه السلام قال: اوحی الله عزوجل الی موسی علیه السلام یا موسی تدری لم اصطفتک بکلامی دون خلقی؟ قال یا رب ولم ذاک؟ قال فاوحی الله تبارک وتعالی الیه یا موسی انی قلبت عبادی ظمیر البطن فلم اجد فیهم احداً اذل لی نفساً منک یا

بسم الله الرحمن الرحیم

حج بیت الله الحرام از فرائض بزرگ اسلامی است. این عبادت از عوامل مؤثر در تقویت دین الهی و تشبیه ارکان اسلام است. بعلاوه فوائد و ثمرات متعددی از نظر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و دیگر جهات در بردارد.

اولیاء گرامی اسلام ضمن سخنان خود راجع به آثار و فوائد حج و همچنین راجع به مزایا و خصوصیات بیت مطالی را تا حاضر نشان ساخته‌اند. در این مختصر دو کلمه کوتاه از سخنان حضرت علی علیه السلام درباره حج و بیت، مورد بحث و بررسی قرار میگیرد و پیرامون هر یک توضیح کوتاهی داده میشود.

#### کلمه اول راجع به حج

«و فرض علیکم حج بیته الحرام... وجعله سبحانه علامة لتواضعهم لعظمته واذعانهم لعزته»<sup>۱</sup>.

خداوند حج بیت خود را بر شما واجب نمود و آنرا علامت تواضع





## در میقاتهای الهی و مقامات مقدس آداب حضور محضر مقدس خداوند عظیم مراعات گردد.

امام خمینی

باشند از ایشرو در مقابل افراد برتر و قوی تر از خود و همچنین نسبت به افراد فروتر و ضعیف تر از خود فروتنی مینمایند حتی به پیروی از تعالیم دینی تواضع و فروتنی نسبت به افراد ضعیف تر از خود را برتر و بالا تر از تواضع نسبت به قوی تر از خویش میدانند چه در بعضی از روایات، فروتنی اشخاص رفیع نسبت به افراد عادی در ردیف مکارم اخلاق بحساب آمده است.

«عن علی علیه السلام قال: التواضع مع الرفعه كالرفعه مع القدره»<sup>۴</sup>.

علی علیه السلام فرموده: تواضع از کسیکه دارای رفعت است همانند عفو و بخشش انسان واجد قدرت است اما تواضع بندگان با ایمان در مقابل باری تعالی فقط برای اینستکه او را قوی و قادر میدانند و خود را ضعیف و ناتوان، او را آفریدگار می شناسند و خویش را آفریده، او را غنی و بی نیاز و خود را نیازمند و محتاج، او را بزرگ و با عظمت میدانند و خویشان را کوچک و ناچیز و خلاصه او را غالب و قاهر بر تمام جهان هستی میدانند و خود و تمام عوالم هستی را مقهور و مغلوب او می شناسند.

۲- در بعضی از روایات اسلامی تواضع انسانهای متواضع تعریف و تفسیر گردیده و معیار آن صریحاً بیان شده است.

«عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: التواضع ان تعطی الناس ما تحب ان تعطاه»<sup>۵</sup>.

حضرت رضا علیه السلام فرموده: تواضع عبارت از اینستکه رفتار با مردم آنچنان باشد که دوست داری مردم با تو همانگونه رفتار نمایند.

در بعضی از روایات پاره ای از موارد تواضع ذکر شده و فروتنی بصورت مثال تبیین گردیده است.

«عن ابی عبد الله علیه السلام قال: من التواضع ان ترضی بالمجلس دون المجلس وان تسلّم علی من تلقی وان تترك المرء وان كنت محققاً وان لا تحب ان تحمد علی التقوی»<sup>۶</sup>.

امام صادق علیه السلام در این حدیث چند مورد از تواضع را بیان نموده است. ۱- در مجلس که وارد میشوی راضی باش در جایی بنشین که کمتر از شأن تو باشد ۲- با هر که برخورد میکنی به وی

موسیٰ آنک اذ صلیت وضعت خدیک علی التراب»<sup>۳</sup>.

به حدیث امام صادق علیه السلام خداوند به موسی وحی فرمود ای موسی آیا میدانی از چه روی تو را برای سخنان خود گزیده ام نه دیگرانرا؟ عرض کرد پروردگارا برای چه؟ وحی آمد ای موسی من بندگانت را زیرورو کردم در بین آنان احدی را نیافتم که عبودیت و تذللش نسبت به من بیش از تو باشد. ای موسی تو پس از اداء نماز از روی کمال تواضع و فروتنی صورت روی خاک میگذاری!

تواضع در مقابل تکبیر است. انسانهای با ایمان که خاضعانه خدا را عبادت میکنند و اوامر او را عملاً بکار می بندند گروه متواضعند و روز جزاء به نسبت مراتب بندگی و تواضعشان از رحمت و نعمت الهی برخوردارند.

کسانیکه از روی تکبر، بعبادت آفریدگار بزرگ تن نمیدهند و سرتعظیم در پیشگاهش فرود نمیآورند از گروه مستکبرینند و به صریح کتاب مجید در قیامت به جرم استکبار از عبادت و بندگی او در دوزخ بعدایی موهن و ذلت بار مجازات خواهند شد.

«ان الذین ینسکرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین»<sup>۷</sup>.  
آنانکه بر اثر خود بزرگی بینی و استکبار مرا عبادت نمیکند و از بندگی من سرباز میزنند بزودی در جهنم با خواری و ذلت معذب خواهند شد.

در روایات اسلامی کلمه تواضع گاهی در مورد فروتنی افراد مؤدب و خلیق نسبت به دیگران بکار برده شده و گاهی در مورد تذلل و بندگی افراد با ایمان در پیشگاه الهی بکار رفته است البته این هر دو از نظر لغت تواضع است ولی به اعتبار ریشه روانسی از جهات متعدد با یکدیگر تفاوت دارند برای مزید و آگاهی خوانندگان عموماً و حجاج بیت الله خصوصاً لازم است در اینجا به پاره ای از تفاوتها اشاره شود تا زائرین خانه خدا هر چه بیشتر به عمق کلام علی علیه السلام واقف گردند و در سفر حج مراتب تواضع و تذلل خود را هر چه بهتر در پیشگاه حضرت باری تعالی ابراز دارند.

۱- افراد خلیق در مقابل انسانها به انگیزه کرامت نفس و بزرگواری طبع خویش، تواضع مینمایند میخوانند در زندگی اجتماعی، متخلق به اخلاق حمیده و متصف به فضیلت انسانی





## باید مراسم عظیم حج بصورت کانونی خروشان و دریائی مواج و طوفان آفرین در برابر تمام توطئه های شرک آمیز و تفرقه گر درآید.

آیه الله العظمی منتظری

اخلاقی و انسانی دارد و معنی آن تکریم و احترام دگران است. تواضع اخلاقی، برنامه زندگی متواضع را تغییر نمی دهد و در کارهای وی دگرگونی و تحول بوجود نمی آورد.

اما تواضع افراد با ایمان در پیشگاه الهی بمعنی تسلیم بودن در مقابل او است. اینان با نیل به مقام تواضع و تسلیم، مطیع بی قید و شرط خدا میشوند، دستورات او را بی چون و چرا بکار میبندند، و برنامه های حیاتی خویش را در جمیع شئون زندگی با رضای وی تطبیق میدهند. چنین انسانهای مطیع و متواضع از فرمان حق سر پیچی نمی نمایند، فکر تخلف در سر نمیپرورند، و از راهش منحرف نمیگردند چه آنکه تخلف از مسیرش را منافی با تواضع و تسلیم و مابین با بندگی و عبودیت او میدانند.

پیامبران الهی که مریبان بشرند در پیشگاه الهی متواضع بودند و در مقابل افراد با ایمان نیز فروتنی و تواضع داشتند اما تواضع آنان نسبت به مردم از حد خفص جناح (بال افکندن) تجاوز نمینمود ولی تواضعشان در مقابل ذات اقدس الهی، عبودیت و بندگی و صورت تذلل بظاک گذاردن بود.

علی علیه السلام در خلال خطبه قاصه چند جمله کوتاهی در این باره فرموده است:

«... فالصقوا بالأرض خدوهم و عفروا فی التراب و جوههم و خفضوا اجنتهم للمؤمنین»<sup>۱</sup>.

پیامبران الهی در پیشگاه او صورت خود را بزمین میگذارند، روی خود را در مقام تذلل به خاک آلوده میساختند، و در مقابل مؤمنین نیز فروتنی و خفص جناح داشتند.

نتیجه آنکه بفرموده علی علیه السلام خداوند حج بیت را علامت تواضع حجاج نسبت به عظمت خود و نشانه اعتراف آنان بجزو بزرگی خویش قرار داده است، بنابراین هر یک از زائران خانه خدا بر اثر این عبادت بتواضع بیشتری در مقابل عظمت حق نائل گردد و بجزو بزرگی او اذعان زیادتری پیدا کند توفیق قزونتری نصیبش گردیده و در حد بالاتری به هدف مقدس حج دست یافته است.

با توجه بفرموده امیرالمؤمنین علیه السلام باید گفت عبادت حج برنامه خودسازی و کلاس تکمیل نفس است اگر کسی از این کلاس

سلام کنی ۳- بخشهای خصومت انگیز را ترک کنی اگر چه در آن بحث حق با تو باشد ۴- دوستدار آن باش که مردم تو را در تقویت ثنا گویند.

تواضع و خشوع افراد با ایمان برای خدا بمعنی عبودیت و بندگی آنان در پیشگاه الهی است و هیچ یک از این معیارها و اندازه گیریها که در روایت ذکر شده در حریم ذات اقدس باری تعالی راه ندارد.

۳- تواضع افراد خلیق و با فضیلت بمعنی احترام و تکریم به شخصیت دگران با حفظ عزت و شخصیت خویش است و اگر در موردی شخص متواضع در مقام فروتنی و خشوع زیاده روی کند تا جائیکه شخصیت خود را پایمال نماید و رنگ ذلت و خواری بخود بگیرد نه تنها پسندیده و مدحود نیست بلکه ناپسند و مذموم است و آئین مقدس اسلام عمل تحقیر آمیز و ذلت بار را مطرود شناخته و افراد با ایمان را از آن برحذر داشته است.

«عن النبی صلی الله علیه و آله لیس للمؤمن ان یدلّ نفسه»<sup>۲</sup>.  
رسول اکرم (ص) فرموده است شخص با ایمان حق ندارد خویش را ذلیل و خوار نماید.

اما تواضع افراد مؤمن در پیشگاه الهی بمعنی عبودیت و بندگی او است و لازمه آن تن دادن به ذلت فرمانبری و اطاعت بی قید و شرط از او باری تعالی است.

علی علیه السلام در مقام فضیلت اخلاقی دارای عالیترین مراتب تواضع است و شخصیت تمام انسانها را بچشم میبشرد و در مقام بزرگواری و عزت نفس هم در حد نهائی است به کمترین ذلت تن نمیدهد و کوچکترین خواری را در مقابل هیچ چیز و هیچ کس تحمل نمینماید اما وقتی در پیشگاه باری تعالی به عرض بندگی زبان میگشاید مراتب تواضع و تذلل خود را چنین بیان میکند.

«الهی کفی بی عزاً ان اکون لک عبداً و کفی بی فخرأ ان تکون لی رباً أنت کما احبّ فاجعلنی کما تحب»<sup>۱</sup>.

بارالها، برای بزرگی و عزت من کافی است که بنده تو باشم برای فخر و مهابت من کافی است که تو مالک من باشی خدایا تو آنچنانی که من دوست دارم مرا نیز آنچنانم ساز که تو دوست داری.

۴- تواضع و فروتنی افراد متواضع در مقابل مردم، فقط جنبه





## در میقاتهای الهی و مقامات مقدس قلوب حجاج عزیز از تمام وابستگیهای به غیر حق آزاد واز آنچه غیر اوست تهی و با انوار تجلیات الهی منور گردد.

امام خمینی

و موازنه ابزارهای ویران کننده و مرگبار شناخته است. و برای این کار هر سال مصارف بسیار سنگینی را تحمل مینماید.

وزیر دفاع فرانسه بمناسبت سالگرد سازمان ملل گفته بود «موازنه وحشت تنها ضامن صلح و امنیت جهان است» صاحب

کتاب (بشریت مضطرب) در غرب، نوشته: چهار هزار میلیارد دلار هزینه مسابقات تسلیحاتی جهان در دهسال آینده است.

سازمان ملل میگوید: هزینه متوسط یک سرباز در سال ۷۸۰۰ دلار است و هزینه متوسط آموزش سالانه یک کودک از یکصد دلار تجاوز نمیکند.

دنیای امروز در حفظ امنیت و صلح جهان، انسانیت را بحساب نیاورده و کمترین ارزشی را برای ایمان به خدا، وجدان اخلاقی، شرف انسانی و انصاف و فضیلت قائل نشده است.

ابر قدرتها در مقابل هم صف آرایی میکنند و موشکهای قاره پیمای را که بکلاهکهای اتمی مجهز است برای پرتاب آماده میسازند و مانند فرزند گان بیکدیگر چنگال و دندان نشان میدهند. بدون تردید

اهمیتی که فقط مشکى به زور و سلاح گرم باشد شایسته مقام انسان نیست.

در مکتب اسلام اساس امنیت بر پایه ایمان به خدا و الهام الهی یعنی ندای وجدان اخلاقی استوار است و افراد وظیفه شناس به انگیزه ایمان امنیت را در جمیع جهات رعایت مینمایند.

السلامت اسلام برای سرکوب نمودن معاندین و دشمنان اسلام و انسانیت، مسلمانانرا به سلاح جنگ مجهز مینماید و بوسیله نیروهای مسلح، امنیت را از دستبرد دشمنان مصون میدارد ولی منشأ اصلی امنیت در اسلام ایمان به خداوند است. در قرآن شریف آمده است:

«الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الأمن وهم یهدون»<sup>۱۲</sup>.

آنانکه ایمان آورده اند و ایمان خویش را به ظلم نیامیخته اند دارای امنیت هستند و اینان هدایت شدگانند.

«عن ابن مسعود لما نزلت هذه الآية شق علی الناس وقالوا یا رسول الله و آیتنا لم یظلم نفسه؟ فقال: انه لیس الذی تعنون الم تسمعوا الی ما قال العبد الصالح علیه السلام لا تشرک بالله ان الشرک لظلم

بخوبی استفاده کنند، از روی واقع در پیشگاه الهی متواضع گردد، خویشتن را مطیع بی قید و شرط او بسازد توانسته است اساس سعادت و کمال خود را پایه گذاری کند و از ثمرات دنیوی و نتایج اخروی، آن برخوردار گردد.

کلمه دوم راجع به بیت الله

«جعلہ سبحانه و تعالی للاسلام علما وللعائذین حرما»<sup>۱۱</sup>.

خداوند این بیت را برای اسلام علم و راهنما قرار داده و برای پناهندگان، قرقگاه و مأمن.

«العلم شیء ینصب فی القلوات تهتدی به الضالہ»<sup>۱۲</sup>.

علم چیزی است که در بیابانهای وسیع نصب میشود تا اگر شدگان بوسیله آن علامت هدایت شوند و راه را از بیراهه تمیز دهند. علی علیه السلام میفرماید بیت الله الحرام برای اسلام علامت و نشانه است. اگر کسانی برای شناخت اسلام راهشما و هادی بخواهند میتوانند از علامت و نشانه بیت استفاده کنند و بخواسته خویش دست یابند.

هدف مکتب اسلام اینستکه مردم جهان را انسان بسازد، آنانرا با سجایای انسانی بار آورد، طوری تربیتشان کند که لایق زندگی انسان باشند، و بتوانند با موازین و معیارهای شایسته انسان زیست نمایند.

نظر به اینکه قسمتی از مقررات مکتب اسلام که برای زندگی انسانها در پهنه وسیع جهان پیش بینی شده در احکام بیت الله الحرام نیز آمده است. بفرموده علی علیه السلام خداوند بیت خود را علم و نشانه اسلام قرار داده تا افراد علاقمند با مطالعه در احکامی که برای محیط محدوده بیت وضع گردیده به ارزش معیارهای اسلام که برای اداره جهان مقرر شده واقف گردند و در اینجا بطور نمونه فقط به دو مورد از احکام بیت اشاره میشود: یکی امنیت بر اساس ایمان و آن دیگر تساوی حقوق انسانها از هر رنگ و نژاد.

### امنیت

دنیای پیشرفته امروز، صلح و امنیت جهانرا در مسابقه تسلیحاتی





## من نمی دانم اینها چگونه می گویند مراسم حج مسأله سیاسی نیست در حالی که قرآن کریم صریحاً خانه کعبه را مرکز قیام مردم و مبارزه با شرک و کفر جهانی دانسته است؟! آیه الله العظمی منتظری

عظیم» ۱۱.

این مسعود میگوید: وقتی این آیه نازل گردید بر مردم گران آمد گفتند یا رسول الله کدام یک از ما بنفس خود ستم نکرده است؟ حضرت فرمود: معنی آیه آن نیست که تصور نموده اید مگر گفته بنده صالح (لقمان) علیه السلام را نشنیده اید که بفرزندش فرمود ای پسر! به خدا شرک نیاور که شرک ظلم بزرگ است.

پس معنی آیه چنین است: آنانکه به خدا ایمان آورده اند و ایمان خود را به شرک مخلوط ننموده اند امنیت دارند. شرک مؤمنین به خدا در این آیه بت پرستی نیست بلکه مقصود اطاعت از هوای نفس یا اطاعت از طاغوتها و حکام ظالم و جبار است.

امنیتی که ناشی از ایمان و منزّه از شرک باشد شایسته مقام انسان است چنین امنیتی نیاز به مأمورین انتظامی و مسابقه تسلیحاتی ندارد بلکه با احساس مسئولیت در پیشگاه الهی امنیت برقرار میگردد.

حق متکی بقوه ایمان است آنجا که هیچ قوه مقاوم نیست  
هرجا پلیس باطن ایمان هست آنجا پلیس ظاهر لازم نیست  
بی دین اگر بعلم شود دریا منجی کشتی متلاطم نیست  
الهام بخش حضرت یزدان است ملهم یوحی شیطان ملهم نیست

امنیت بیت و حرم باری تعالی بفرمان خدایند و براساس ایمان به ذات اقدس او است در آنجا نه فقط انسانها امنیت دارند بلکه حیوانات وحشی و گیاهان نیز در امانند.

امنیت در دنیای امروز ناظر به ایمنی جان و مال و عرض مردم است و ایمنی از ترس مورد توجه نیست با آنکه ممکن است آدمی در شرایطی قرارگیرد که از جهت مال و جان و عرض، امنیت داشته باشد ولی از نظر روحی همواره با اضطراب و دلهره بسربرد.

اما در امنیت ایمانی بیت و حرم علاوه بر امنیتهای ظاهری امنیت روانی و ایمنی از ترس نیز مورد توجه قرار گرفته است. قرآن شریف در این باره فرموده است.

«فلیعبدوا رب هذا البیت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من

خوف» ۱۵.

پس حتماً بپرستید خداوند این بیت را که هنگام گرسنگی به آنان طعام داد و از نگرانی و ترس ایمنشان ساخت بنابراین یکی از احکام بیت و حرم، امنیت است و منشأ آن امر الهی و ایمان به ذات اقدس او است چنین امنیتی برای اسلام علامت و نشانه است و برای انسانهای تربیت یافته و لایق، معیار ایمنی و آرامش.

بوعده قرآن شریف باید روزی فرارسد که اسلام بر تمام ادیان غلبه کند، بشرمدارج تعالی و تکامل را ببیناید، ولایق چنین امنیت پاک و منزهی گردد.

### تساوی حقوق انسانها

روزگاری که رسول اکرم در مکه معظمه به رسالت مبعوث گردید مسئله تبعیض نژادی از مسائل روز بود و سفیدپوستان آن جامعه منحط و عقب افتاده خود را نژاد برتر میدانستند و سیاه پوستان را با دید تحقیر و اهانت مینگریستند.

پیشوای اسلام از آغاز با این امر خرافانی و بی اساس، جداً مبارزه نمود و تساوی حقوق انسانها را از هر نژاد و رنگ صریحاً اعلام داشت و در منبر فرمود:

«لا فضل للعربی علی المعجم ولا للأحمر علی الاسود الا بالتقوی» ۱۶.

عرب را بر عجم و سرخ پوست را بر سیاه پوست برتری و امتیازی نیست مگر به تقوی و پرهیزکاری.

بلال حبشی از کسانی بود که در اوائل دعوت نبی اکرم به اسلام ایمان آورد و همواره مورد احترام آنحضرت و دیگر مسلمانان بود. رسول گرامی او را مؤذن خود قرار داد و این منصب پرافتخار را به وی اعطا نمود و مسلمانان سفیدپوست عمل آنحضرت را با حسن قبول تلقی نمودند.

پیغمبر اکرم برای سرکوب نمودن تعصب نژادی همواره مراقب بود که مسئله تساوی حقوق از ناحیه تمام مسلمانان رعایت شود و اگر از کسی در این باره لغزشی مشاهده میفرمود مؤاخذه میکرد و جداً تذکر



ابوذر غفاری از مردان الهی و از صحابه رسول اکرم بود روزی در محضر آنحضرت بلال بن رباح را به این جهت که مادرش از نژاد سیاه بود تحقیر کرد و گفت: «یا این السوداء» یعنی ای پسرزن سیاه.

غضب لها رسول الله صلى الله عليه وآله غضباً شديداً والقاهها في وجه ابي ذر عنيفةً مُخيفه «يا اباذر طغث الصاع ليس لابن البياض علي ابن السوداء فضل»<sup>۱۷</sup>.

رسول اکرم از گفته ابوذر سخت به خشم آمد و در کمال تندی و شدت، سخن نادرستش را برخش کشید و فرمود: ای ابي ذر پسرمانه هیچ کس مملو و لب ریز نیست و فرزند زن سفید بر فرزند زن سیاه برتری ندارد.

علی علیه السلام در ایام زمامداری خود به غلام سیاهی که چندبار به زدنی اقرار نموده بود حدّ شرعی جاری کرد. غلام سیاه با دست خونین به بازار رفت و زبان به مدح علی علیه السلام گشوده به امام خبر دادند. حضرت برای احضار غلام به فرزندش حضرت مجتبی فرمود: «قسم هات عمک الاسود»<sup>۱۸</sup>. یعنی برخیز و عموی سیاه خود را بیاور. علی علیه السلام با این جمله کوتاه کمال احترام را درباره غلام سیاه رعایت نمود او را برادر خویش و عموی فرزند گرامیش حضرت مجتبی علیه السلام خواند.

حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام در راه، بر مردی سیاه گذر کرد به او سلام داد، در کنارش نشست، مدتی با وی صحبت کرد، و سپس آمادگی خویش را برای قضاء حوائج او اعلام فرمود. حضرت عرض شد تا این حدّ مقابل غلام سیاهی تواضع مینمائی آنگاه از حوائجش پرسش میکنی؟ در پاسخ فرمود:

«عبدٌ من عبید الله وأخٌ فی کتاب الله و جازٌ فی بلاد الله یجمعنا وایاه خیر الآباء آدم و افضل الادیان الاسلام و لعل الدهر یرد من حاجتنا الیه فیراتا بعد الزهو علیه متواضعین بین یدیه»<sup>۱۹</sup> «دردنای من و ایاه خیر آباء آدم و افضل الادیان الاسلام و لعل الدهر یرد من حاجتنا الیه فیراتا بعد الزهو علیه متواضعین بین یدیه»<sup>۱۹</sup> او بنده ای از بندگان خدا، برادری در کتاب الهی، و مجاوری در بلد باری تعالی است جامع بین من و او آدم بهترین پدر و اسلام برترین ادیان است. شاید با گذشت زمان وضع دگرگون گردد و روزی فرارسد که ببیند ما بعد از بزرگی و سربلندی با تواضع و فروتنی در برابرش قرار گرفته ایم.

خلاصه در اسلام برتری نژاد نیست و مسلمانان سیاه از نظر حقوقی با سایر مسلمین تفاوتی ندارند، همه انسانند و مورد احترام، همه مسلمانند و بموجب قانون با هم مساوی هستند.

علامت و نشانه این تساوی اسلامی در احکام بیت و حرم بخوبی

مشهود است. در ایام حج از سراسر جهان گروههایی از مسلمانان که از نژادهای مختلفند بسکه میآیند در موقع نماز جمعه، مسجد الحرام و خیابانهای اطراف آن مملو از جمعیت نمازگذار میشود. اینان با آنکه از نظر نژادی با هم متفاوتند اما از جهت دینی با یکدیگر برادرنند، همه در کنار هم میایستند، همه با هم اقامه جماعت مینمایند و خدا را بندگی میکنند. همه در کنار هم مینشینند در دل بیاد خدا هستند و به زبان ذکر او میگویند. نه مسلمان سفید پوست خود را برتر و بالاتر از مسلمان سیاه میدانند و نه مسلمان سیاه پوست در کنار مسلمان سفید، احساس ذلت و خواری مینماید.

رسول گرامی اسلام بفرمان الهی، قانون تساوی حقوق نژادهای مختلف را به پیروان خود ابلاغ فرمود و اکنون متجاوز از ۱۴ قرن است که مسلمین به آن قانون عمل میکنند. اما در عصر ما که عصر تسخیر فضا است دنیای متمدن بخصوص امریکا اسیر تبعیض نژادی است و از این عقیده خرافانی رهایی نیافته است.

در قرن گذشته دیوان عالی کشور امریکا که بالاترین مقام قضائی ایالات متحده است در مورد محاکمه (در داسکات) اعلام داشت:

«سفید پوستان اجبار ندارند که حقوق سیاه پوستان را محترم شمارند زیرا سیاه پوستان حقّی ندارند!» چندی است که جنگ تبعیض نژادی در افریقای جنوبی شدت یافته و رژیم نژاد پرست آن کشور سیاهان مظلوم و مردم را بنفع مستکبرین که خواهان الماس و طلای آن کشورند به خاک و خون میکشد.

اخیراً چند روزی سخن از محاصره اقتصادی افریقای جنوبی بمیان آمد و پیرامون آن گفتگو بسیار شد سرانجام رئیس جمهور امریکا و نخست وزیر انگلستان با محاصره اقتصادی مخالفت نمودند تا رژیم در قتل سیاهان آزاد باشد و در محدودیت و مضیقه قرار نگیرد.

آن بود تعالیم ۱۴ قرن اسلام در تساوی حقوق انسانها و این است روش ظالمانه دنیای پیشرفته و متمدن در عصر فضا.

- ۱- نهج البلاغه. خطبه ۱ قسمت آخر خطبه ۱۱- نهج البلاغه خطبه ۱ قسمت آخر خطبه
- ۲- نهج البلاغه. خطبه ۱۹۲ «قاصه» ۱۲- لسان العرب (علم)
- ۳- کافی ج ۲ ص ۱۲۳ ۱۳- سوره انعام آیه ۸۲
- ۴- سوره مؤمن آیه ۶۰ ۱۴- تفسیر صافی. صفحه ۱۷۷ (سوره لقمان)
- ۵- فهرست غرر. ص ۴۰۵ ۱۵- سوره قریش آیه های ۳-۴ آیه ۱۳
- ۶- کافی جلد ۲ ص ۱۲۲-۱۲۴ ۱۶- بحار الأنوار جلد ۶ چاپ قدیم ص ۷۶۴
- ۸- مستدرک الوسائل جلد ۲ ص ۳۶۴ ۱۷- فی ظلال القرآن جزء ۲۰ ص ۴۷
- ۹- بحار الأنوار جلد ۱۷ چاپ قدیم ص ۱۰۶ ۱۸- بحار الأنوار جلد ۹ چاپ قدیم ص ۴۹۱
- ۱۰- نهج البلاغه خطبه ۱۹۲ «قاصه» ۱۹- سفینه البحار. جلد ۲ ص ۶۶۷
- ۲۰- ندای سیاه ص ۵۲